

Цена 62 коп.

Борис

14

211

4

Изготовлено из тетрадной бумаги № 2 Камского
целлюлозно-бумажного комбината

Государственная московская фабрика беловых товаров
Министерства местной промышленности РСФСР

ГОСТ 6302-52

Артикул 607

III кв. 1955 г.

۱۹۱۱ ع ۱۹۱۱

س.
کتاب

فهرست

مردم بزرگ - ۲ - بار

عوامل الیم دکنی بگونه: در حال خوب مردکن
که برکن به از زندگانی بود

نارینگیه به سورا داد با وجود آن بزرگ برادرش هرگز نشود و ایم و اسهال با فدیق
چشم خرد آن دشمن دارد.

« اینرا بگفته ام که قوی نام شمر و حکم برده شود باه صاحبان فضا
و منبریات فوق محیط را تصویر کنه. زیرا این نام در مکتوبات که ما نام آنرا بر

در بعضی آن کتب بنامیم. این آدم در ارا صفات و منبراتی است که طبع در خلقت

او میراث و با با فغان دامن و با حین تربیت در بر با عاقله از زفر

مکونه است. اولاً اکثریت ممکن و بلکه از تمام کم گت ک و کوهستان خود

قدرت و بزرگتر دستگیر و مستغنی آراست. او در نزد خود تصور میکند که بد

آدم خالق العابد است. و در دست از دیگران حقانی را میفهمد. لذا از همه

سنگینه، ملزوم و عوق نمیند. باین طایفه دیگران نظر او عود و عود از خود او

آید و دیدار است آنقدر مواظبتی که در معاشرت و طرار عاقلان - عمر معمول است

لذا در بنامین و تصور میورزد، ما آن عاقلان و علوم را اندر سر و قابل اقتساید

کنندانه، با محیط اکتف میباشند، از محیط ارفی بگونه در فلاف محیط و در محیط

مردم بزرگ ۲-۷

این تقصیرا ما فراموش کردیم و حکم درود بزرگ را در اوقات ممکن گشته او بزرگ کرد و با
لودر خود آنرا دراز او قبول کرد در وقت آنکه غذا بخورد - این هم معلوم است که در نظر
شما حوازا آید ما در پیشگفتن سوره از او رنجیده شدیم او را نمیخواستیم بشنود - بلکه
لوس بدایه رعنا و کینه و لودر خود و بعد با کینه

گاهی تقصیر با ما هم دستوت نیست. او که انقدر در خلق کرد از این است که
کس را بویسد - یا که عافیه کند و از کس بپسندد و چه آنکه که محط از او بگریزد
زیرا او بزرگتر از محط است او محط را عطف میسازد. همان فراموش از او
ما میسر شود که مردم حق او نیز از او فرار کنند - خود را همسنگ او ندانند و او را
طاعت در انب خود ندانند. با از بی عوف و با از نودن و سفالت بی اول
او را را گفته

فرقی میگویم

گفته که حقوق کویت است و صلاه
من ی شقم و دم بدو گفته بناه
تاریک است و صلاه در عبادت گناه
عاشق نبود ز عیب حقوق آگاه

(۳۹۸)

ما در بزرگ نند است اما - کویک کویک بر ندر ماخ از این است که معلوم است
ملیک و بی آگاهی از قیاس صد گفته است - هر چه هر کسی به هم کاره

مردم بزرگ - بار

فوت و غیر - هم مدد و غیره، بیوگرافی و یادگاری در مورد این بزرگواران کشته و جان فدا شده
مرد این احسان هم همینه دلر از اردن این احسان حقیقت حال به بار شده و
گرد و غبار آتش که صفر راق فضایی در او شانه به یکبار باک شری و مملو بود در رخ
دانش - سلام و بود القصدین در کثر، تجمید و تقدیر عمومی بر اینون فضایی وسیع
ادرا احاطه شده .

این تر حقیقت که مطابق یکدیگر یکدیگر از اینهاست که مدتی در عمل مردم کامیاب
حقیقت نریمان در صحت، و محکم واقع آنان بعد از همه از نو فقط نظر از
تقدیر آنها با محیط، در حالت احسان که کفک کفک در همزه عمومی در حین
ایم دو اصل طبیعی و غیر مابین انفکاک از محیط و لایحه قطع بر آتش، بدم از فعال
که و کند که این حقیقت نریمان قابل انظار و هم جای با اصلاح صورت و در دست و حقیقت
با محیط بریم و صوابه به
(۴ -)

محمد دانگنده

شماره یک اول ۱۹۱۸

در غزه ماه ربیع الاول سنه ۱۳۳۴ (۱۹۱۵) کتب کوچه کوچه از کتبه
عوزایان ادیب فخر طبع، در دوران تکلیف که آن عبد را فرزند
انجمن کوچه ادبی نمی توانست نامند. صفحه ۱

در آن انجمن فقط عمرهاش بر او
در دوست خوانده بودی متفرقین قدم ایران طبع کرد

۲ و اعضاء در دوران آن امر احاطه غزل سنگینه زنده زنده اعضاء

آن زاریت شد و در اوایل سال ۱۳۳۵ انجمن کوچه کوچه با خود را

فادریه که در روی اهدای نامه ترس که شایسته تقیات نظمی و تشریح

۳ در عهد ادبیات فارسی باشد و درش نه به هر که کوچه ادبی به

۴ "دانگنده" مانده شد و با ارتقای مکتب اعضاء و نگارن مکتب

عمل داده و این سخن بگویم معقول و کامل است که در
که یک نمونه از نوع ادبیات قرآن است که هر دو تازه خواننده را
در این مضمون بر روی بنیان محکم زبان فارسی و حفظ لغات زنده و شیرین
و اشعار او با گرایش تاریخی این زبان ممکن است به وطنان ادیبان
والادیب نواز خود تقدم دارم.

۴ ۴ ۴

دینا دستموش الفلابات است از دریا تا کوه آ و بیابانها
از مهلک غنچه، تا فانی آری گوید و سخن از خرم لاسا تا خرم
لغات و اصطلاحات همه در آن عرضه منقلب و محض متغیر
دستموش نقد و تقریرند پس گفتند نیز اگر در ادبیات
ما و قرص در لغات و اصطلاحات ما [صفر ۱۳۲۴] و طرز ادای
قاصد ما، تقریر آن حاصل شود. در این حال ما نمیتوانیم پیش از
آنکه کلمات با امری بچیند، ما خود مرتب امری بگویم

این است که در این اصناف - یعنی بنت حکمه اصناف در طایف محطی
 که ما را تکمیل خواهد نمود، یک تجرد در آن آرام و نرم نرم را اصل مرام خود
 یافته و نیز جارت محکم که این تجرد را تیره عمارت تاریخی
 در آن شام و بنا گمان آید خود قرار دهم. اینگونه ماضی آثار
 معرفت بخونه در لایه های آن عمارت بر تختین بنیایهای نو آشنایی
 که با سیرت کامل دیوارها و حیزرانی بالا میروند مغول خواهم شده

مادر بر راه، دو خرد از نظر دارم: اصناف و امکان
 عقیده ما اینگونه است. بجز فحیح نور بنایه آنها بخواه و آرد
 خیزر امکان فعلیت یا فنی بنایه در راه وصول آن چیز تقدسه بنایه
 این است که ما وجود دانستن آمال آید طولانی دستی تجد بر مردی مغوط
 که روح حیوانی و مخصل صیده آنها مخزاد ما اطلا مخزاد است، تا حالی نمکن
 گفته و میان عمل منها هم که اصناف عمومی و امکان فعلیت یا فنی آنها دلو
 با تحمل ریج و (صفحه ع آورد شده)

تعمیر احوال نام

ماہی از آنکه قط نامی لایح حالت ناقصی باقی در آنست لغت عجم
تنگ برقرار و اصل فی و علی با آن درج در کور یا مقود است ، تا وقت که

احسان عمومی و اعلان بدیه و افکار پست اجتماعه با بحال حاضر مستعد
باران آبی و کبکد بقید یک قطره در زمین دماغی اکثریت افراد این آب و خاک
نیامده است ، بی نایب می بینم که سزا مجله خود را با خطوط مقطع بطور پائیده

و شمار خود را با سیلابی ناموروزی اروا بی وقت ~~چ~~ داره ، دفاصه خودمان

را در بیابان صلی آنه که هنوز مهنوم آن آدر کور ما نامعین است بحیوه در کورم

ما تا وقت که استعداد و امتیاح عمومی کتابی بهر طرف توجه کرد از

درستان سعدی و دیوان حافظ از آن مکر و زندان عصر حاضر در کور ما

تشریح است ، قدری زود می بینم که دیوان سعدی و حافظ را در آب

بی قدری دانستادسته و یک جریال معنی را مسدود بخونیم و آبرای

لطف بالا بدین صورت جریال همسم . دمالافره (صفحه ۵ تا ۲)

کاتی را کہ در کجدار بی کج افراط دم زوم و یا خوفاً صلاّت برانند

کاتی را که در تمدن ادبی به کلی اضرط قدم رنم و با نفع منال است
پراگند غیر عملی را برای نفس انتی رسیده است ملاحت و با نخطه شکرده در
عقدیه را عقود سیدانم و عقیده ما نیز به این دستور عقود است.

ول نخط این را ای سگوم که عقایدی عقود را خواهد بود که ملافاصل
س از نفس بموجب عمل در آمده در نخط خود عال یک نوع تا اثرات نوشتن
وامع گردند.

× × × صفحه ۳۰ تا ۳۲

مید با از مناقات سیاسی و تقناتی که بر روی مع با بجز این و آن
معمول به تجار و دلالان ادلی و سکا است نسبت اقرار جسته
و از نظر اضاار یومی نیز عقودت میباید. و لا در مناقات و انعقادات
ادبه آ حاشی که ممکنان را در فور مناقات و محاوره بداند با نهایت
نشاط و مهارت حاضر و بر این برین عقاید و تقوای است با کافور
در بر حال صحیبه قولی نمود.

۲۰۰ (صفحه ۷)

سید دانشگر ۳ - ۲۲ روزه ۱۹۱۸

ما در گذشته ادبیات ایران نگاه ملی می‌بینیم (۲-۱۷)

ما با عوائل ارتقاء و نگاه هم‌راه و ما خود عین آن عوائل هستیم
و موافق اصیاب است ملیه - قدری هم دور بینانه کار می‌کنیم

ما اصلاحات و رفورما تور ادبی را از نظر موجود و اثبات

موسوم ما از فراغ یک چیزی که محط آیه دوام در جهان آنرا

آن موسوم را ضایعانه نهیده عملی تر و نقدی تر می‌دانیم و ما بر
علاقه کافی که بعضی ارتقاء را ندانسته و تصور می‌کنند که

فقط بر حین و برین موردی ترقی است عوائل نگاه

طبیعی و گنیم تدریجی را در ارتقاء و اقصی یک مدت آنها مورد

برنگ می‌نمایم. ما انقلاب حقیقی را (طبی) تر و غیر مرئی را از

آن می‌دانیم که یک نویسنده (صفره ۱۱۱۵)

لا اله الا الله

انقلابی بخوابه در اول صبح و خرم متقنانه "مخوش" در نخستین
رقص صورتی یا تا صورتی تعلیمی یا اقرامی خود یک نمونه واقعی
از آنرا بیان بدید.

ماهان قسم که استیصال مردمان بر سیدار و دیگرین زنی را از جوان
انقلابی دارلقاء در نخستین و ترمیم روح بگرد صفت بدایم
بهان در به نقوذ و تا ترمیم عوائل اصلی انقلاب دارلقاء را
در صورت عدم مدافعه بلکه عدم نقوذ عجمی باز تا در صورت

نیمه نخستین می شناسم اما انرا بدایم که استیصال است
وزیر ممکن است بی نیمه مانند اول نقوذ و تا ترمیم عوائل اصلی صفت
ما نفس و بیاره نیمه که طبعت ما را محور با اصرام و رفع
اصلاح بنامه بلکه مادر روح یک گنیم دارلقائی باز بطرف
گنیم و رفتی دیگر راه بروم اگر راه بروم ترمیمی از روی ما رود
ست نورندان ما میده اگر ما در راه بروم خود ما از او استغانه کرده
و اگر میلو ترمیم سینه راه را گم کنیم " صفت ۱۱۵

[روزانه کند منطبقه برز دروا اهدل فوق مار استوف

ست دوهن و سون استقاد بنگه

« اما حوزان دانگه ابرا قس از انکه از طرف فرماتده گان و

در تقاد لبها ارا بود. سگنن نشویه! ابرا قس از انکه از

سویه تان نمونه؟

در صدر سکه مرقی بیه با درر طبیعت درار گان ارتقاد عوبه -

صنایع سود، اصنایع بودر ص کنه تجراه بیوانه - انعام دم

انست گنن درقر 4 صفر 117 دانگه شماره 3

لار بلونه

« سینه اولاد ده قران دگر دانگه نرتاز فوقی تونه که

بنیان آما مال جده را تا محازم گنگره هان مرت شده دستیل

شکل یافته حافره بالا بوده سانه هم یک انقلاب شروع این عقود را

صفر 118